



۲۰۱۳/۰۲/۲۷

محمد احمدی

برنامه سنی زادی نظام ولایت فقیه ایران قسمت اول

با پیروز شدن انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلاب مستضعفان جهان و پیروزی حق علیه باطل اشک شوق بر گونه همه مشتاقان و مسلمانان ایران و جهان جاری شد و امید در دل همه مستضعفان جهان جوانه زد که هم اکنون حکومت عدل الهی به ثمر رسیده است.

اما متأسفانه این انقلاب مردمی که توسط احزاب و گروه های مختلف سیاسی و دینی و اقشار مختلف مردم به ثمر رسیده بود، توسط عده ای از روحانیون شیعه مصادره گردید؛ آنان در مدت زمان کوتاهی توانستند تمامی احزاب و گروه های انقلابی را کنار بزنند و دیکتاتوری ولایت فقیه را بنیان گذاری کنند. یکی از مهمترین گروه هایی که در این راستا به حاشیه رانده شدند، اهل سنت و جماعت بودند که قربانی شعارهای فریبنده علمای مدعی تشیع شدند.

سردمداران رژیم ولایت فقیه ایران از همان بدو تدوین قانون اساسی توسط مجلس خبرگان، بغض و کینه و عداوت شان را نسبت به اهل سنت و جماعت آشکار ساختند و وعده های اولیه خود را زیر پا گذاشتند و با تصویب قانون اساسی و ممنوع ساختن پست های کلیدی برای اهل سنت، این جمعیت بیست میلیونی کشور را از تمام حقوق سیاسی شان محروم کرده و تبعه درجه دو به شمار آوردند.

در آن هنگام، برخی از رهبران اهل سنت و جماعت منجمله مرحوم مولانا عبد العزیز ملازاده و علامه شهید احمد مفتی زاده تلاش های فراوانی نمودند تا حقوق اهل سنت را به زمامداران رژیم، یاد آوری کرده و از آنها خواستند که به عهد و پیمان خود عمل کنند و اهل سنت را از صحنه سیاسی کشور حذف نکنند؛ اما بر خلاف انتظار، حکومتی که قرار بود بر اساس اسلام راستین، بنیان گذاری شود، اساس آن بر اندیشه های شیعی صفوی گذاشته شد و حق و حقوق ملت ها در چارچوب بسته و غیر منطقی نظام ولایت فقیه، تعریف گردید. در عمل نیز حقوق ملی و مذهبی اقوام، مذاهب و احزاب سیاسی مختلف زیر پا گذاشته شد. و بر اساس قانون اساسی مبتنی بر تئوری ضد اخلاقی ولایت مطلقه فقیه، با اهل سنت ایران، رفتاری مبتنی بر قلع و قمع علما، اندیشمندان، تئوریسین ها، رهبران، جوانان، عموم مردم و آزادی خواه و اهل سنت در پیش گرفتند؛ و برای پیشبرد این اهداف، برنامه پنجاه ساله سنی زادی را در سازمان دادند و حاضر نشدند به ندای خیرخواهانه و حق طلبانه رهبران اهل سنت گوش دهند.

اینگونه اهل سنت ایران از تمام سطوح اداره کشور حذف گردیدند. و بهترین دلیل بر این مدعا، این است که در تاریخ انقلاب، هیچ وزیر، معاون وزیر، والی و سفیر اهل سنت و بطور کلی هیچ پست کلیدی در کارنامه جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تئوری نظام مطلقه ولی فقیه، به چشم نمی خورد. در دوران دولت آقای خاتمی که اندکی فضای سیاسی کشور برای دیگر اندیشان و احزاب سیاسی باز شد، رایزنی هایی مبنی بر راه یافتن یک وزیر اهل سنت به کابینه، یا انتخاب یک نفر از اهل سنت برای هیئت رئیسه پارلمان ایران، صورت گرفت؛ اما همانگونه که انتظار می رفت با عکس العمل بسیار تند و غیر منطقی و غیر عقلانی مراجع تقلید، جریان های اصول گرای شیعه و متعصبان مذهبی مواجه گردید و سر انجام هم این رایزنی ها راه به جایی نبرد.

چه بسا که افرادی از اهل سنت در دوره های مختلف مجلس شورا توانستند از صافی های متعدد وزارت اطلاعات، حراست ها، و شورای نگهبان منتخب ولایت فقیه عبور کنند و به پارلمان راه یابند، و با تمام محدودیت ها و خطوط قرمز در مواردی بسیار اندک به دفاع از حقوق اهل سنت برخاستند. اما در دوره های بعدی نه تنها اینکه از داشتن صلاحیت محروم شدند؛ بلکه راهی زندان و سیاه چال های نظام ولایت فقیه گردیده و به سختی، شکنجه و اذیت و آزار گردیدند؛ که دانشمندان فرهیخته و عالم بزرگوار مولانا نظر محمد دیدگاه (نماینده اولین دوره پارلمان از ایرانشهر) را می توان به عنوان نمونه ذکر کرد.

رهبران انقلاب ایران از آیت الله خمینی گرفته تا حجت الاسلام خامنه ای، در سال های گذشته، تلاش کرده اند تا علما، اندیشمندان و رهبران اهل سنت را با تحقیر، تهدید، ترور، زندان و شکنجه از سر راه خود بردارند. همچنین با تخریب مساجد و مدارس دینی، محدودیت در چاپ و نشر، فشار آوردن بر مراکز دینی، تحریم صلاحیت دانشجویان اهل سنت، شرایط سخت استخدامی، جلوگیری از ساخت مسجد و مراکز دینی در شهرهای بزرگ، منجمله تهران و اصفهان و تبریز و شیوه های مختلف دیگر، سعی داشته اند تا اندیشه های دینی اهل سنت را تضعیف کرده و روح این مکتب حیات بخش را در میان مردم

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې دليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

و جوانان اهل سنت از بین ببرند و آنان را به سمت و سویی سوق دهند که در جهت نیل به اهداف کیش شیعه گری منجر گردد.

از طرفی دیگر، با نیرنگ نوین هفته ای بنام هفته وحدت برای فریب افکار عمومی، اعلام کردند و شعار وحدت میان سنی و شیعه و انسجام اسلامی سردادند تا بدین اینگونه بر خیانت ها و جنایت های خود در حق اهل سنت در داخل کشور، سرپوش بگذارند؛ اما باید دانست که سردمداران دولت ایران از شعار وحدت، تنها برای فریب ملت ها استفاده کردند و در عمل هیچ قدم مثبتی در جهت وحدت برداشتند.

اهل سنت ایران به علت نداشتن هیچ رادیو و تلویزیون و نشریه رسمی در ۳۳ سال گذشته در خفقان کامل بسر میبردند به همین علت صدای آنها نیز در هیچ رسانه خارجی چه کشورهای اسلامی و چه غیر اسلامی منعکس نمیشد. اما در چند سال گذشته اهل سنت ایران آستین همت را بالا زده اند و اقدام به ایجاد چندین شبکه تلویزیونی کرده اند تا بتوانند صدای خود را به جهان برسانند و خود را از دست یوغ صفوی منشان برهانند.

اهل سنت و شیعیان قبل از انقلاب از وحدت بیشتری برخوردار بودند و این دشمنی و عداوتی که هم اکنون میان شیعه و سنی وجود دارد، در گذشته وجود نداشته است. اما این نظام جمهوری اسلامی بود که با تصویب قانون اساسی تبعیض آمیز، اعمال تبعیض در استخدام ها، انتخاب های تبعیض آمیز، توهین به مقدسات، اهانت به همسران نبی اکرم، تکفیر نزدیکترین یاران پیامبر، و بطور کلی تحقیر اهل سنت، آتش بغض و کینه و دشمنی را میان ملت ایران که شیعه و سنی هستند، شعله ور ساخته است.

با وجود اینکه اهل سنت دومین اکثریت مذهبی بعد از شیعیان بشمار می روند؛ اما حکومت همواره تلاش کرده است تا آنانرا جزو اقلیت های مذهبی و قومی قلمداد کرده و اینگونه از حقوق شان محروم گرداند؛ حالآنکه اهل سنت حدود ۲۰ میلیون از جمعیت کشور را تشکیل میدهند.

اما متأسفانه بنا به اصل دوازدهم قانون اساسی، اهل سنت حق ندارند نامزد ریاست جمهوری شوند و یا پستهای کلیدی کشور را احراز نمایند و تنها شیعیان دوازده امامی از این حق برخوردارند. و اینگونه در واقع، اهل سنت از انتخاب شدن و انتخاب کردن، هر دو محروم گردیده اند.

و این، نگاه ظالمانه ایست که از دوران شوم صفویه برجای مانده و فرزندان صفویه در طول تاریخ، آنرا اجرا کرده و تا امروز ادامه داشته است. علاوه بر این، اهل سنت از حقوق ناچیزی که در قانون اساسی برای آنان در نظر گرفته شده، محروم هستند.

در همان سالهای نخست انقلاب، چند تن از علما و اندیشمندان اهل سنت که در رأس آنها مولانا عبد العزیز ملازاده و علامه شهید احمد مفتی زاده قرار داشتند به فکر ایجاد تشکیلاتی برای مطالبه حقوق اهل سنت برآمدند و در تاریخ ۲۰/۱۲/۱۳۵۹ زمینه تشکیلات شورای مرکزی سنت توسط کاک احمد مفتی زاده فراهم گردید و در تاریخ ۱۳ و ۱۲ حمل ماه ۱۳۶۰ عده ای از علما و اندیشمندان اهل سنت ایران بنا به دعوت کاک احمد مفتی زاده در تهران گرد هم آمدند که پس از بحث و تبادل افکار، با صدور قطعنامه ای، تشکیل شورای مرکزی سنت (شمس) را اعلام نمودند. اهداف این شورا عبارت بود از: اصلاح قانون اساسی، فعالیت پیگیر و قاطعانه برای رفع هرگونه ستم از اهل سنت در ایران و احقاق حقوق آنان و اقداماتی از قبیل ساختن مسجد در تهران (بنا به وعده اولیه از طرف آیت الله خمینی) و سایر خدمات اسلامی، تلاش در جهت سد باب سب و اهانت به الگوها و مقدسات دینی و عقیدتی اهل سنت و گنجاندن آن در قانون اساسی، کوشش در جهت تحکیم مبانی وحدت و اخوت اسلامی و زدودن نمادها و مظاهر تفرقه و جلوگیری از شدت تفرقه اندازی اصل "دوازده" و سایر اصول تبعیض آمیز و تفرقه انداز قانون اساسی، بود.

ولی علیرغم آشکار و بدیهی بودن اهداف شورا و دلسوز بودن اعضای آن که صمیمانه در پی وحدت و انسجام اسلامی بودند، بر اثر اعمال فشار از سوی زمامداران متعصب رژیم ولایت فقیه، فعالیت های خیرخواهانه و صلح آمیز اعضای شورا، نه تنها اینکه ره به جایی نبرد بلکه به جای رسیدگی به خواسته های بر حق و مشروع اهل سنت، عمل رژیم به سرکوب رهبران اهل سنت پرداختند و فعالیت های شورای مرکزی سنت را ممنوع کردند و بسیاری از جوانان و علمای اهل سنت از جمله کاک احمد مفتی زاده را دستگیر و به زندان انداختند و در مناطق سنی نشین به خصوص کردستان و سیستان بلوچستان به بهانه های مختلف انواع ستم ها را بر مسلمانان بی دفاع اهل سنت روا داشتند و آنها را تحت تعقیب و پیگرد قرار دادند و سیاست پنجاه ساله "سنی زدایی" در سراسر کشور را به اجرا در آوردند. این سیاست که حکم به عدم صلاحیت جوانان آگاه اهل سنت برای استخدام در ادارات و مؤسسات دولتی، و در تنگنا قرار دادن کارمندان مسلمان سنی و تصفیه کردن آنان به بهانه های مختلف و روش های گوناگون، برکنار کردن ائمه جمعه بعضی از شهرها و نصب امامان خود فروخته و دست پرورده، تفتیش عقاید در بیدادگاه ها و مدارس، اهانت به الگوهای دینی و معتقدات اهل سنت، ترویج مواد مخدر و مشروبات الکلی در مناطق سنی نشین بود، به اجرا در آمد.

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

در همین راستا، علما و دانشمندی را که مانع پیشبرد برنامه پنجاه ساله رژیم ولایت فقیه بشمار میرفتند و مردم را با اعتقادات و اندیشه های اهل سنت آشنا می ساختند، زندانی، اعدام یا ترور کردند. که ما در این گزارش مختصر فقط به مشهور ترین آنان اشاره می نمایم:

- ۱- علامه محمد صالح ضیائی، امام جمعه اهل سنت و مدیر مدرسه دینی بندر عباس، فقیه فرزانه در تاریخ ۲۲/۴/۱۳۷۳ به اداره اطلاعات احضار شد و چند روز بعد، جنازه قطعه شده این بزرگوار، در تاریخ ۲۹/۴/۱۳۷۳ در دره های چاه مسلم، نزدیکی های شهرستان بندر لنگه پیدا شد.
- ۲- علامه کاک احمد مفتی زاده، از رهبران برجسته سیاسی اهل سنت ایران و مؤسس شورای مرکزی شمس، کسی که در کنار آیت الله خمینی نقش بسزایی در روند انقلاب ایران داشت، پس از ده سال زندان سرانجام، در بیستم بهمن ماه سال ۱۳۷۱ هجری شمسی در شفاخانه آسیای تهران به شهادت رسید. آیت الله منتظری در کتاب خاطراتش می نویسد: من راجع به بازداشت و زندانی کردن آقای مفتی زاده نیز با آیت الله خمینی صحبت کردم و گفتم: او در بین مردم کردستان مورد توجه است و به انقلاب هم خدمت کرده است و زندانی بودن او سوژه ای است که علمای اهل سنت در کشورهای دیگر نیز آن را به رخ ما می کشند و ما را محکوم می نمایند و می گویند: "این چه وحدتی است بین شیعه و سنی که شما آنرا مطرح می کنید؟! ایشان از صحبت من بسیار عصبانی شدند و جمله ای را نسبت به آقای مفتی زاده فرمودند.
- ۳- شهید استاد عبد الملک ملازاده یکی از فعالان شورای مرکزی اهل سنت در سیستان و بلوچستان، مؤسس سازمان محمدی در زاهدان، برای مدتی زندانی شد و سرانجام، به علت فشار زیاد حکومت، مجبور شد به پاکستان هجرت کند و در آنجا با تشکیل "مجلس اعلی" به مبارزه و افشاگری علیه رژیم پرداخت و سرانجام در تاریخ ۱۴/۱۲/۱۳۷۴ در شهر کراچی بوسیله تروریستهای وزارت اطلاعات ایران همراه دوست و همسنگرش مولوی عبدالنصیر جمشید زهی به شهادت رسید.
- ۴- دکتر علی مظفریان، طبیب، دعوتگر به حق، دانشمند و روشنفکر، اهل شیراز بود که پس از تعمق در کلام الهی و تحقیق و بررسی متون اصیل اسلامی، از مکتب تشیع به مکتب اهل سنت پیامبر(ص) گرویده بود و امامت جمعه اهل سنت شیراز را در مسجد الحسین بر عهده داشت؛ ولی از آنجایی که متعصبین این رژیم تحمل هدایت یافتگان حق را نداشته و ندارند برای شهید مظفریان پرونده سازی کردند و پس از شکنجه های زیاد او را به اتهام جاسوسی برای اسرائیل و امریکا و صدام در تاریخ ۱۱/۵/۱۳۷۱ اعدام کردند.
- ۵- دکتر احمد سیاد متخصص علوم حدیث از پوهنتون بین المللی مدینه منوره، یکی از شخصیت های بزرگ علمی اهل سنت ایران، مدیر مدرسه دینی دارالسنه زراباد از توابع شهرستان چابهار ولایت سیستان و بلوچستان بودند. وی در میدان هوایی بندر عباس دستگیر شد و چند روز بعد در تاریخ ۱/۵/۱۳۷۱ اجنازه اش در فلکه میناب پیدا شد.
- ۶- شهید استاد ملا محمد ربیعی امام جمعه کرمانشاه، یکی از شخصیت های علمی و اندیشمندان اهل سنت و از علمای مبارز و حق گویی بود که سال های مدیدی از عمر پر بار خود را در راه خدمت به اسلام و مسلمانان سپری نمود و سعی در بالا بردن آگاهی اهل سنت نسبت به حقوق شان داشت؛ اما این عالم ربانی ناپدید گردید و در تاریخ ۱۲/۹/۱۳۷۵ اجنازه اش پیدا شد. گفتنی است بعد از شهادت استاد ربیعی در تشییع جنازه آن شهید بزرگوار (روز پنجشنبه ۱۵/۹/۱۳۷۵) حداقل یک نفر از تشییع کنندگان در کرمانشاه و ۱۵ نفر از مردم بی دفاع جوانرود بدست نیروهای رژیم به شهادت رسیدند.
- ۷- شهید استاد قدرت الله جعفری از علمای جوان و پر تحرک اهل سنت خراسان بود که برای بیداری اهل سنت، بسیار تلاش می کرد و این امر عمال رژیم را علیه او برانگیخت و برای او پرونده سازی کردند و به تهمت و هابیت، وی را دستگیر و به زندان انداختند. او در زندان های نظام ولایت فقیه به ویژه در شکنجه گاه اوین به بدترین وجه شکنجه شد تا جایی که حدود نه ماه بعد از پایان شکنجه باز هم توانایی راه رفتن را نداشتند؛ ولی با این همه شکنجه، مردانه مقاومت نمود و تن به ذلت و خواری نداد و سر انجام بعد از سپری کردن بیش از یکسال در شکنجه گاه اوین و زندان مشهد در ماه حوت ۱۳۶۹ شمسی به جرم و هابیت اعدام گردید.
- ۸- شهید استاد ناصر سبحانی از علما و اندیشمندان کرمان شاه یکی از رهروان راه حق بود که با اراده استوار و شگفت انگیزی در برابر ظلم های حکومت آخندی ایستاد و به فعالیت های فرهنگی و سیاسی پرداخت و بعد از اینکه مدتی را در زندان، سپری نمود سرانجام، در تاریخ ۲۸/۱۲/۶۸ به اتهام ضد انقلاب، اعدام گردید.
- ۹- شهید استاد فاروق فرساد از کردستان، ایشان از شاگردان کاک احمد مفتی زاده و از نخبگان مکتب قرآن و فعالین سیاسی و فرهنگی اهل سنت کردستان به شمار می رفتند نخست، برای مدتی زندانی گردید و سپس به شهرستان اردبیل تبعید شد و سرانجام، در تاریخ ۲۴/۹/۱۴۱۶ هجری به روش بسیار مرموزی به قتل رسید.
- ۱۰- شهید استاد موسی کریمپور از علمای خراسان و یکی از واعظان توانا و امام جمعه مسجد جامع شیخ فیض مشهد بود که پس از تخریب مسجد جامع شیخ فیض، در تاریخ ۱۱/۱/۱۳۷۲ به افغانستان هجرت نمود؛ وی در آنجا به وعظ و ارشاد مردم روی آورد و مسلمانان را از اهداف رژیم ایران آگاه و روشن می ساخت؛ به همین خاطر، نظام ولایت

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادونه: دلېکنی د لېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

فقیه، بیدار گری وی را برنتابید و از این حرکت وی خشمگین گردید و در تاریخ ۱۴/۲/۱۳۸۰ بعد از نماز جمعه با انفجار بمبی که توسط عمال رژیم در درب خروجی مسجد جامع خرقة هرات گذاشته شده بود، همراه ۱۴ تن از نمازگزاران، به شهادت رسید.

۱۱- شهید نعمت الله توحیدی استاد حوزه علمیه دارالعلوم زاهدان و از علمای وارسته و حق گو و مفسر قرآن کریم بود؛ از خصوصیات بارز این عالم ربانی تبلیغ توحید، دفاع از صحابه، اهل بیت پیامبر و عرض و آبروی ایشان بود. و این موضوع برای نظام ولی فقیه خوشایند نیامد و با شیوه سب و شتم نظام، هماهنگی نداشت؛ بنا بر این، در پی دسیسه و ترور این مرد حق بر آمدند و سرانجام وی را با هماهنگی ایادی خود، با سه تن دیگر از جمله مولوی عبدالحکیم گمشاد زهی در جاده زاهدان- کرمان روز دوشنبه ۲۱/۱/۱۳۸۵ با اتوبوس بدون سر نشین زیر گرفتند و به شهادت رساندند.

۱۲- شهید داکتر مرتضی راد مهر حجة الاسلام داکتر مرتضی راد مهر رحمه الله در یک محیط پیشرفته و در خانواده به اصطلاح فرهنگی و متمدن در سال ۱۳۵۱ در شهر تهران چشم به جهان گشود و تحت سرپرستی پدر متخصص مغز و اعصاب که شدیداً متأثر از فرهنگ اروپائی ها بود و تحت تربیت مادر متخصص قلب، نسبتاً مذهبی پرورش یافت و طبق آرزوهای هر دو (پدر و مادر) مسیر زندگیش را با تحصیلات در حوزه و پوهنتون در پیش گرفت که در نتیجه از حوزه علمیه فیضیه قم به درجه حجت السلام و از پوهنتون علوم طبیه شهید بهشتی تهران یک قدم مانده به رتبه داکتری (طب عمومی) به علت ناسازگاری های فکری با مذهب اهل تشیع و گرویدن به مذهب اهل سنت، از پوهنتون اخراج و با ظلم و ستم و شکنجه های ظالمان در زندان های اوین مواجه گردید از آنجا که ایشان یکی از خویشاوندان خانواده آیت الله مکارم شیرازی به شمار می رفت، تغییر مذهب دادن چنین شخصیتی برای نظام گران تمام میشد به همین علت ماموران وزارت اطلاعات ایران، ایشان را در پاکستان به شهادت رساندند.

۱۳- علامه مجتهد سید ابوالفضل برقی قمی علامه سید ابو الفضل ابن الرضا برقی قمی در سال ۱۳۲۹ هـ ق مطابق با ۱۲۸۷ هـ ش در شهر قم - ایران - در خاندان شیعه مذهبی به دنیا آمد و پدرش سید حسین شخص فقیر و زاهدی بوده است. جد او سید احمد بن رضی الدین عالم مجتهد و مبارزی بوده که از شاگردان شیرازی کسی که فتوای تحریم تنباکو - ضد نفوذ برتانیه در ایران - را صادر کرده است می باشد.

ایشان تحصیل را در علم فقه و اصول فقه که در حوزه های علمی رایج است ادامه داد، در اثنای تحصیل به تدریس درسهای ابتدایی نیز مشغول بود و رفته رفته یکی از مدرسین حوزه قم گردید بعداً برای تخصص در علم فقه و اصول فقه به نجف اشرف رفت و در نزد کبار مراجع شیعه مراحل عالی دروس فقه و اصول فقه را طی کرد سه سال در نجف اشرف گذراند و از بسیاری از علمای کبار آن دیار منجمله: مرجع بزرگ شیعه در آن وقت سید ابوالحسین موسوی اصفهانی کسب علم کرد.

سپس علامه به ایران برمی گردد و در قم نیز اجازه اجتهاد را از آیت الله عبدالنبی نجفی عراقی که یکی از مراجع بزرگ شیعه بود اخذ می کند.

پایان قسمت اول

بر گرفته از سایت تریبون زمانه

<https://tribunezamaneh.com/archives/۱۵۳۱۸>

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ